

Construction, Standardization and Standardization of Personality Questionnaire Based on DSM-5**Masoud Janbozorgi^{*1}, Shahnaz Nouhi², Malake Nasery Fadafan³, Mahdie Heidarizad⁴, Erfane Janbozorgi⁵**¹Associate Professor of Psychology, School of Law, University of Qom, Qom, Iran.²Assistant Professor, Department of Psychology, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.³PhD student of Psychology, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.⁴Master of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.⁵Master of Clinical Psychology, University of Science and Culture, Tehran, Iran.**Article History****Received:** 2021/12/25**Revised:** 2022/06/06**Accepted:** 2022/07/01**Available online:** 2022/07/01**Article Type:** Research Article**Keywords:** Personality Function, Exploratory Factor Analysis, Confirmatory Factor Analysis, Standardization**Corresponding Author*:**

Massoud Jan Bozorgi received his PhD in Clinical Psychology from Tarbiat Modares University. He is currently a professor at the seminary and university research institute. His research interests are in the field of spirituality. To correspond about this article, contact Dr. John Bozorgi, Department of Psychology, Seminary Research Institute, and University.

E-mail: janbo@rihu. ac. ir**ABSTRACT**

In this study, standardization, validity and reliability of personality functioning scale were investigated and based on the alternative model of personality disorders ,the concepts were converted into Persian items.The method of this research was descriptive cross-sectional and validation. The statistical population of this study was students of Tehran universities in the academic year 1398-99, from which 500 people were selected as a sample group by multi-stage cluster random sampling. To evaluative the validity of the questionnaire,the method of exploratory factor analysis was used to analyze the principal components and Cronbach's alpha method was used to evaluate the reliability. Then confirmatory factors analysis indices and internal consistency reliability coefficients were checked for the selected factors. All statistical analyzes were performed by SPSS software version 25. The findings of the factor analysis section showed that by factor analysis of the questions and the rotation of results by varimax method, nine components are revealed, and the number of these components obtained , as well as the questions that had a high factor load with these components,are largely consistent with the findings of the questionnaire. It was also found that both the whole questionnaire and all sub-tests at the same time have a high reliability coefficient.

Citation: Janbozorgi, M., Nouhi, S., Nasery Fadafan, M., Heidarizad, M., Janbozorgi, E. (1401/2023). Construction, Standardization and Standardization of Personality Questionnaire Based on DSM-5, 1 (1). 29-41.

ساخت، استانداردسازی و هنجاریابی پرسشنامه‌ی کارکرد شخصیت بر اساس DSM-5**مسعود جان بزرگی^{۱*}، شهناز نوحی^۲، ملکه ناصری فدافن^۳، مهدیه حیدری زاد^۴، عرفانه جان بزرگی^۵****^۱استاد گروه روانشناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران، ایران.****^۲استادیار گروه روانشناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.****^۳دانشجوی دکتری روانشناسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.****^۴کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران****^۵کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.****اطلاعات مقاله****چکیده****دریافت:** ۱۴۰۰/۱۰/۰۴**اصلاح نهایی:** ۱۴۰۱/۰۳/۱۶**پذیرش:** ۱۴۰۱/۰۴/۱۰**انتشار آنلاین:** ۱۴۰۱/۰۴/۱۰**نوع مقاله:** مقاله پژوهشی**کلیدواژه‌ها:** کارکرد شخصیت، تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی، هنجاریابی**نویسنده‌ی مسئول*:**

مسعود جان بزرگی درجه‌ی دکتری روان‌شناسی بالینی خود را از دانشگاه تربیت مدرس دریافت کرد. در حال حاضر او استاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است. علائق پژوهشی ایشان در حوزه‌ی معنویت است. برای مکاتبه در مورد این مقاله با دکتر جان بزرگی، گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تماس داشته باشید.

پست الکترونیکی:

janbo@rihu.ac.ir

در این مطالعه هنجاریابی، روایی و پایایی مقیاس کارکرد شخصیت مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس الگوی جایگزین اختلالات شخصیت مفاهیم به گویه‌های فارسی تبدیل شدند. روش این پژوهش توصیفی مقطعی و از نوع اعتبارسنجی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ بودند که از بین آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵۰۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. برای بررسی روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی به روش تجزیه به مؤلفه‌های اصلی و از روش آفای کرانباخ برای بررسی میزان پایایی استفاده شد. سپس برای عوامل منتخب، شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی و ضرایب پایایی همسانی درونی بررسی شدند. تمام تحلیل‌های آماری توسط نرم‌افزارهای SPSS نسخه‌ی ۲۵ انجام پذیرفت. یافته‌های بخش تحلیل عاملی نشان داد که با تحلیل عاملی سوالات و چرخش نتایج با روش واریماکس نه مؤلفه آشکار می‌شود که تعداد این مؤلفه‌های به دست آمده و نیز سوالاتی که با این مؤلفه‌ها بار عاملی بالایی داشتند تا حد زیادی با یافته‌های مؤلفین پرسشنامه هم‌خوان است. همچنین مشخص شد که هم کل پرسشنامه و هم تمام آزمون‌های فرعی از ضریب پایایی بالایی برخوردار هستند.

مقدمه

اختلال شخصیت الگوی ریشه‌دار برقراری ارتباط با دیگران، موقعیت‌ها و رویدادها با الگوی انعطاف‌پذیر و ناسازگارانه تجربه و رفتار درونی است به نوجوانی یا اوایل بزرگسالی برمی‌گردد (هالجین،^۱ ۲۰۱۴؛ هاپوود، کوتوو، کروجر^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). این اختلالات می‌توانند زمینه‌ساز ابتلا به سایر اختلالات روان‌شناختی باشند. بنابراین، ارزیابی، تشخیص و مداخله‌ی به‌هنگام در این خصوص امری مهم و ضروری است (زاوالا، بنتلی و جولیان^۳، ۲۰۱۷). به دلیل پیامدهای تهدیدکننده‌ی سلامت، همواره بررسی اختلالات شخصیت جزء جدایی‌ناپذیر در تشخیص اختلالات روان‌شناختی است (امینی، لطفی، آزاد و همکاران، ۲۰۱۸/۱۳۹۷). هنگامی که متخصصان بالینی و پژوهشگران منتظر پرده برداشتن از ویراست‌های پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۴ بودند، زمینه‌ی اختلالات شخصیت، بیشتر توجه آن‌ها را جلب کرد. مؤلفان DSM-5 یک سیستم بینابین را پیشنهاد کردند تا هم منتقدان و هم حامیان سیستم طبقه‌بندی را راضی کنند. بازنگری ارائه شده DSM-5، شش اختلال را نگه داشته است، اما سیستم درجه‌بندی بعدی، صفات شخصیت بیمارگون را اضافه کرده است (سیدمحمدی، ۲۰۱۸/۱۳۹۷). در نهایت کار گروه تغییر رویکرد تشخیص‌گذاری اختلالات شخصیت در سال ۲۰۱۳ به صورت رسمی رویکرد جایگزین ابعادی اختلالات شخصیت را مطرح کردند. این ملاک‌ها در بخش سوم DSM-5 گنجانده شده است. در حال حاضر در DSM-5 دو رویکرد مقوله‌ای (در بخش II) و مدل جایگزین (بخش III) برای بررسی نشانگان اختلالات شخصیت آورده شده است (فلاور، شارپ، کالواکی^۵ و همکاران، ۲۰۱۵).

در مدل جایگزین با رویکرد ابعادی، اختلالات شخصیت به وسیله‌ی نقص در کارکرد شخصیت (ملاک A) و خصیصه‌های ناسازگارانه شخصیتی (ملاک B) مشخص می‌شود و وجود هم‌زمان این دو ملاک برای تشخیص‌گذاری ضروری است. کارکردهای شخصیت در دو سطح خود^۶ و بین فردی^۷ هستند که شامل کارکرد هویت و خود جهت‌دهی (سطح خود) و هم‌دلی و صمیمیت (سطح بین فردی) است (گنجی، ۲۰۱۷/۱۳۹۶).

دو ملاک اول عملکرد شخصیت را منعکس می‌کند، بدین معنی که فرد چگونه شخصیت را در هویت فردی ابراز می‌کند. دو ملاک دیگر،

شخصیت فرد را به صورتی که در روابط با دیگران برحسب توانایی درک کردن دیدگاه‌های دیگران و برقراری روابط نزدیک با آن‌ها منعکس می‌شود، نشان می‌دهند (هالجین، ۲۰۱۴).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آسیب کلی در کارکردهای شخصیت در دو سطح خود و بین فردی، هسته اصلی آسیب‌شناسی شخصیت رویکرد ابعادی است (هاپوود و همکاران، ۲۰۱۸؛ هاپوود، ۲۰۱۱). در این رویکرد شدت این آسیب به صورت پیوستاری مورد ارزیابی قرار گرفته و در دامنه‌ای از عدم اختلال یا اختلال اندک تا اختلال شدید درجه‌بندی می‌شوند. تخریب در کارکرد شخصیت می‌تواند وجود یک اختلال و یا شدت آن را پیش‌بینی کند، و در افراد مبتلا به بیش از یک اختلال شخصیت، معمولاً شدت این تخریب بالاتر است (اسکودل، موری و بندر^۸، ۲۰۱۷). به نظر برخی از پژوهشگران ارزیابی شدت آسیب در کارکرد شخصیت برای هر نظام ابعادی، جزئی اساسی است. از این رو در بخش سوم DSM-5 شدت آسیب در سطوح کارکردی شخصیت به‌عنوان عنصر اصلی تشخیص اختلال شخصیت مطرح شده است (امینی و همکاران، ۲۰۱۸/۱۳۹۷).

در مدل جایگزین اختلالات شخصیت برای بررسی ملاک‌های A و B تشخیص نشانگان اختلال، ابزارهای رسمی و غیر رسمی پیشنهاد شده است. بندر و همکاران (۲۰۱۱) در اولین اقدام به تعریف مفاهیم و ابعاد مرتبط با کارکردها و خصیصه‌های شخصیت پرداخته و چک لیستی را برای آن‌ها پیشنهاد دادند. بر طبق این چک لیست، در پژوهش مقدماتی بر روی ۴۲۴ بیمار روان‌پزشکی، مشخص شد که نمره‌ی بالاتر از ۳ در این مقیاس، در مقایسه با مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته از ۷۹ درصد حساسیت و ۵۴ درصد اختصاصی بودن در تشخیص اختلالات شخصیت برخوردار است. در پژوهش دیگری فیو، میلر، روزبام^۹ و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی روایی و پایایی ابزارهای ارائه شده توسط کارگروه اختلالات شخصیت برای ارزیابی خصیصه‌های شخصیت پرداخت. در این پژوهش ویژگی‌های روان‌سنجی چک لیست بررسی سطوح کارکردی شخصیت و چند ابزار دیگر بررسی شد. مطالعه بر روی ۱۰۹ نفر از بیماران بالینی انجام شد. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی انسجام درونی بالا و هم‌گرایی مطلوب بین دو ابزار خودگزارشی و ابزار درجه‌بندی توسط متخصص بود.

⁶ self⁷ interpersonal⁸ Skodol AE, Morey LC, Bender DS⁹ Few LR, Miller JD, Rothbaum AO¹ Halgin RP² Hapwood CJ, Kotov R, Krueger RB³ Zavala S, Bentley K, Julianne G⁴ Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders⁵ Christopher Fowler J, Sharp C, Kalpakci A

کارکرد شخصیت شامل هویت، خودراهبری، صمیمیت و هم‌دلی را ارزیابی می‌کند. در مقابل هر گویه طیف چهاردرجه‌ای از کاملاً نادرست تا کاملاً درست تنظیم شده است.

مراحل ساخت پرسشنامه عبارت بود از:

مرحله‌ی اول: در این مرحله سیاهه‌ها، ویژگی‌های شخصیتی بر اساس DSM-5، تعاریف و دلایل از کتب و تحقیقات صورت گرفته در این زمینه جمع‌آوری شد.

مرحله‌ی دوم: در مرحله‌ی دوم سؤالاتی برای پیش‌بینی کارکرد شخصیت در جوامع ایرانی طراحی شد تا بتواند ویژگی‌های شخصیتی را شناسایی و پیش‌بینی کند.

مرحله‌ی سوم: در این مرحله سؤالات طراحی شده برای نمونه‌ای که معرف جامعه اصلی است و پرسشنامه برای آن جامعه طراحی شده است اجرا شد.

مرحله‌ی چهارم: در این مرحله سؤالات از نظر ویژگی‌های روان‌سنجی، پایایی و اعتبار مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

در مرحله‌ی آخر بعد از بررسی و تحلیل سؤالات پرسشنامه و اعمال تغییرات لازم در نمونه‌ی اولیه سؤالات، فرم نهایی پرسشنامه جهت اجرا در جامعه‌ی آماری مورد نظر تهیه شد. به منظور بررسی اعتبار پرسشنامه کارکرد شخصیت محقق ساخته، ابتدا سؤالات به چند نفر از اساتید حوزه‌ی روان‌شناسی و افراد خبره جهت مطالعه داده شد و طبق نظر آنان سؤالات مورد بررسی، حذف یا اصلاح شدند. پس از تأیید محتوایی توسط افراد خبره در این زمینه پرسشنامه برای اجرا بر روی جامعه آماری آماده ارائه شد.

نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر به کمک نرم افزار SPSS نسخه‌ی ۲۴ با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی و چرخش واریماکس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

این پرسشنامه پس از مرحله پالایش اولیه‌ی سؤالات به صورت حضوری یا از طریق ایمیل در اختیار پانل متخصصین قرار داده شد. در جهت بررسی روایی محتوایی پرسشنامه‌ها به شکل کمی، از روش لاوشه استفاده شد. بنابراین دو ضریب CVI نسبت روایی محتوا CVR شاخص روایی تعیین شد.

تعیین ضریب نسبت روایی محتوا (CVR)

یک یک سؤالات به صورت تفکیک شده در جداولی در اختیار متخصصین قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا سؤالات را در چارچوب ارائه شده مورد ارزیابی قرار دهند برای تعیین CVR پرسشنامه‌ها، از

در ایران نیز امینی و همکاران (۲۰۱۸/۱۳۹۷) مطالعه‌ای با هدف طراحی، تدوین و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مصاحبه‌ی نیمه‌ساختاریافته کوتاه برای سنجش کارکردهای شخصیت انجام دادند. یافته‌ها نشان داد ضریب توافق میان ارزیاب‌ها برای سطوح چهارگانه‌ی شخصیت یعنی هویت، خودجهت‌دهی، صمیمیت و هم‌دلی به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۱ بود و آلفای کرونباخ محاسبه شده در دامنه‌ای از ۰/۸۱ (صمیمیت) تا ۰/۸۹ (خودجهت‌دهی) بود.

بنابراین با توجه به پژوهش‌های پیشین و این که تاکنون در ایران ابزاری به صورت خودگزارشی و متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی جهت سنجش کارکرد شخصیت طراحی نشده است بنابراین طراحی چنین ابزاری علاوه بر تأیید ملاک A در تشخیص اختلالات شخصیت، می‌تواند روشی سریع و معتبر در سنجش کارکرد شخصیت برای استفاده متخصصان بالینی باشد. در همین راستا جان‌بزرگی و... (۲۰۱۹/۱۳۹۸) ابزاری را برای سنجش کارکرد شخصیت تهیه کرد. این پرسشنامه در دو بخش تهیه شده است. بخش اول شامل ۵۵ گویه که حوزه‌ی خود را می‌سنجد و بخش دوم شامل ۷۱ گویه است که جهت سنجش حوزه‌ی روابط بین فردی طراحی شده است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد که ضرایب ساختاری برای تمامی شاخص‌ها از نظر آماری معنی‌دار است و مدل مورد نظر، برازش آماری مناسبی دارد.

روش

طرح پژوهشی

این پژوهش توصیفی-مقطعی و از نوع اعتبارسنجی است.

شرکت‌کنندگان

جامعه‌ی آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه‌های تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ بودند که از بین این افراد، تعداد ۵۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای به‌عنوان آزمودنی‌های پژوهش انتخاب شدند. پس از آن آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های کارکردشخصیت پاسخ دادند و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس کارکرد شخصیت مورد بررسی قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه‌ی کارکرد شخصیت: این پرسشنامه توسط جان‌بزرگی در سال ۱۳۹۸ طراحی شد که شامل ۱۲۶ گویه است که ۴

وضوح با شفاف بودن، مرتبط بودن با موضوع، نظر خود را اعلام نمایند. مقادیر شاخص روایی محتوا (CVI) پرسشنامه برای هر سؤال محاسبه و میانگین آن‌ها محاسبه شد. امتیاز شاخص روایی محتوای (CVI) برای هر عبارت به‌وسیله‌ی تقسیم تعداد متخصصان موافق با عبارت دارای رتبه ۳ و ۴ (کاملاً مرتبط با خیلی مرتبط، کاملاً واضح یا واضح، کاملاً ساده یا ساده) بر تعداد کل متخصصان محاسبه شد CVI. که از ۰٫۹ بالاتر بودند مورد تأیید قرار گرفت. بعضی سؤالات با توجه به نظر متخصصین نیاز به اصلاح داشتند و با مختصری تغییر جزء سؤالات پرسشنامه قرار گرفته و برخی سؤالات حذف شدند. سرانجام پرسشنامه طی چندین مرحله از لحاظ نحوه‌ی سؤالات و محتوای آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام شد. با استفاده از رابطه‌ی شماره ۲ شاخص روایی محتوا برای هر عبارت تعیین شد.

$$\text{CVI} = \frac{\text{تعداد متخصصینی که به گویه نمره ۳ و ۴ داده اند}}{\text{تعداد کل متخصصین}} \quad \text{رابطه‌ی (۲):}$$

نتایج

ابتدا به‌منظور بررسی این که آیا مقیاس کارکرد شخصیت ساختار نه عاملی را تکرار خواهد کرد یا نه تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس روی داده‌ها صورت گرفت. جهت انجام تحلیل عاملی ابتدا آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO) برای حصول اطمینان از کفایت حجم نمونه محاسبه شد. سپس از آن‌جا که همبستگی بین پرسش‌های آزمون زیربنای تحلیل عوامل است، برای این که مشخص شود همبستگی بین متغیرها برابر صفر نیست از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

متخصصین مرتبط با موضوع که در رشته‌ی روان‌شناسی و سنجش شخصیت حرفه‌ای بودند؛ خواسته شد تا میزان تناسب هر یک از عبارات پرسشنامه را بر اساس طیف سه قسمتی "ضروری است"، "مفید است ولی ضرورتی ندارد" و "ضرورتی ندارد" تعیین کنند. پس از جمع‌آوری نظرات متخصصان، با استفاده از رابطه‌ی شماره ۱، نسبت روایی محتوا برای هر عبارت تعیین شد.

$$\text{عهرابطه‌ی (۱):} \quad \text{CVR} = \frac{ne - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

در رابطه‌ی ۱، N تعداد کل متخصصان، تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری است پاسخ داده‌اند. در روش لاوشه، حداقل CVR قابل قبول بر اساس تعداد اعضای پانل تعیین می‌شود. هر اندازه تعداد اعضای پانل بیشتر باشد، نسبت روایی محتوایی مورد نیاز برای باقیماندن سؤال در پرسشنامه کمتر خواهد بود. حداقل CVR مورد نیاز برای پانل ۱۰ نفری، ۰٫۶۲ است. بنابراین سؤالاتی که نسبت روایی محتوایی آن‌ها از این مقدار کمتر شد از پرسشنامه حذف شدند. برای تک تک سؤالات، نسبت روایی محتوا (CVR) محاسبه شد. مقادیر نسبت روایی محتوایی پرسشنامه، میانگین عددی قضاوت‌ها و نتایج پذیرش یا رد سؤالات محاسبه شد، سؤالاتی که CVR آن‌ها مساوی یا بیشتر از ۰٫۶۲ بودند بی‌قید و شرط پذیرفته شده و سؤالاتی که حداقل مقدار نسبت روایی را کسب نکردند از پرسشنامه حذف شد.

تعیین شاخص روایی محتوا (CVI)

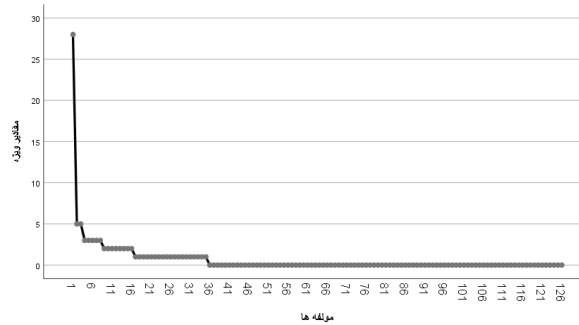
جهت محاسبه‌ی CVI از متخصصین درخواست شد که بر اساس طیف لیکرت ۴ قسمتی در خصوص سادگی و روان بودن،

جدول ۱- نتایج آزمون‌های KMO و کرویت بارتلت برای تعیین روایی مقیاس کارکرد شخصیت

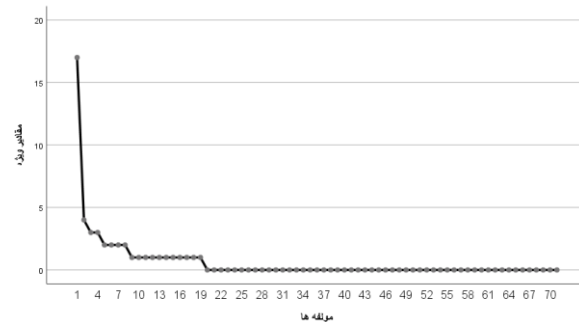
سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون کرویت بارتلت	آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO)
۰/۰۰۱	۲۵۰	۳۷۸۷/۲	۰/۶۴

که دارای مقادیر ویژه بالاتر از یک بودند و مواد آن‌ها بارعاملی بالاتر از ۰/۳ داشتند به دست آمد.

همچنان که از جدول ۱ برمی‌آید در پژوهش حاضر مقدار KMO برابر ۰/۶۴ است که نشانگر کفایت نمونه‌ی انتخاب شده است. همچنین آزمون کرویت باتلین برابر ۳۷۸۷/۲ است که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنادار است که نشان می‌دهد همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست. در این تحلیل با استفاده از چرخش واریماکس نه عامل



شکل ۱- نمودار اسکری کتل مؤلفه‌های استخراجی مقیاس کارکرد شخصیت (بخش اول)



شکل ۲- نمودار اسکری کتل مؤلفه‌های استخراجی مقیاس کارکرد شخصیت (بخش دوم)

ویژه بالاتر از یک دارند در نتیجه که این تعداد عامل استخراج شده، تأییدکننده‌ی تعداد آزمون‌های فرعی ساخته شده توسط مؤلفین پرسشنامه است. جدول ۳ مقادیر ویژه، درصد واریانس تبیین شده و درصد واریانس تجمعی هر عامل را نشان می‌دهد

با توجه به این که این پرسشنامه از دو بخش تشکیل شده است بنابراین نمودار سنگریزه در این پژوهش به دو جدول تقسیم‌بندی شد. نمودار صخره‌ای در شکل ۱ نشان می‌دهد که در تحلیل عاملی دوم چهار عامل، مقدار ویژه بالاتر از یک دارند. همچنین نمودار صخره‌ای در شکل ۲ نشان می‌دهد که در تحلیل عاملی دوم پنج عامل، مقدار

جدول ۲- مؤلفه‌های استخراج شده تحلیل عاملی نهایی مقیاس کارکرد شخصیت

مقادیر ویژه اولیه			مقادیر استخراج مربعات			مقادیر بعد از چرخش واریماکس			عامل
مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	واریانس تبیین شده	درصد تجمعی واریانس تبیین شده	
۲۸/۸	۲۲/۹	۲۲/۹	۲۸/۸	۲۲/۹	۲۲/۹	۱۳/۳	۱۰/۵	۱۰/۵	۱
۶/۴	۵/۱	۲۸/۰۲	۵/۱	۵/۱	۲۸/۰۲	۱۰/۹	۸/۷	۱۹/۳	۲
۵/۹	۴/۷	۳۷/۲	۴/۷	۴/۷	۳۷/۲	۱۰/۱	۷/۹	۲۷/۲	۳
۵/۱	۴/۰۹	۳۶/۸	۴/۰۹	۴/۰۹	۳۶/۸	۶/۱	۴/۸	۳۲/۱	۴
۴/۰۷	۳/۲	۴۰/۰۸	۴/۰۷	۳/۲	۴۰/۰۸	۵/۶	۴/۴	۳۶/۶	۵
۳/۵	۲/۸	۴۲/۸	۲/۸	۲/۸	۴۲/۸	۵/۲	۴/۱	۴۰/۷	۶
۳/۳	۲/۶	۴۵/۵	۲/۶	۲/۶	۴۵/۵	۴/۹	۳/۹	۴۴/۶	۷
۳/۱	۲/۴	۴۳/۰۳	۲/۴	۲/۴	۴۳/۰۳	۳/۸	۳/۰۷	۴۷/۷	۸
۳/۰۵	۲/۴	۵۰/۴	۲/۴	۲/۴	۵۰/۴	۳/۴	۲/۷	۵۰/۴	۹

عاملی حدود ۰/۳۵ و بالاتر جهت اختصاص هر سؤال به یک مؤلفه در نظر گرفته شد.

همان‌طور که از جدول ۲ مشخص می‌شود این عوامل ۵۰/۴ درصد واریانس مقیاس کارکرد شخصیت را تبیین کردند. در جدول ۳ بارهای عاملی هر کدام از سؤال‌های مقیاس کارکرد شخصیت بر روی نه مؤلفه استخراج شده، مشخص است. بارهای

جدول ۳- ماتریس بارهای عاملی سؤال‌های مقیاس کارکرد شخصیت بر روی مؤلفه‌های استخراج شده

سؤال	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	عامل ششم	عامل هفتم	عامل هشتم	عامل نهم
۱	۰/۴۱								
۲		۰/۴۵							
۳			۰/۵۱						
۴				۰/۶					
۵		۰/۴۶							
۷			۰/۵۱						
۸				۰/۴۳					
۹		۰/۵۳							
۱۰			۰/۴۷						
۱۱				۰/۴۳					
۱۲		۰/۳۸							
۱۳				۰/۵۴					
۱۴		۰/۴۴							
۱۵			۰/۳۷						
۱۶				۰/۴۳					
۱۷			۰/۵۴						
۱۸		۰/۶۴							
۱۹			۰/۴۵						
۲۰			۰/۴۹						
۲۱		۰/۲۷							
۲۲			۰/۴۴						
۲۳			۰/۳۸						
۲۴				۰/۴۱					
۲۵				۰/۴۶					
۲۶		۰/۴۷							
۲۷			۰/۴۱						
۲۸				۰/۵۱					
۲۹				۰/۵۵					
۳۰			۰/۳۶						
۳۱			۰/۴۳						
۳۲				۰/۴۴					
۳۳		۰/۴۹							
۳۴			۰/۵۲						

												۳۵	-/۵۶
												۳۶	-/۵۷
												۳۷	-/۴۶
												۳۸	-/۴۷
												۳۹	-/۵۸
												۴۰	-/۵۱
												۴۱	-/۵۶
												۴۲	-/۵۹
												۴۳	-/۳۹
												۴۴	-/۴۹
												۴۵	-/۳۹
												۴۶	-/۵
												۴۷	-/۵۱
												۴۸	-/۴۸
												۴۹	-/۵۷
												۵۰	-/۳۷
												۵۱	-/۴۸
												۵۲	-/۳۹
												۵۳	-/۳۸
												۵۴	-/۴
												۵۵	-/۴۲
												۵۶	-/۳۸
												۵۷	-/۴۹
												۵۸	-/۴۳
												۵۹	-/۳۷
												۶۰	-/۶۲
												۶۱	-/۳۶
												۶۲	-/۴۶
												۶۳	-/۴۸
												۶۴	-/۵۳
												۶۵	-/۵۹
												۶۶	-/۴۹
												۶۷	-/۵۱
												۶۸	-/۴۹
												۶۹	-/۵۴
												۷۰	-/۵۹
												۷۱	-/۵۸
												۷۲	-/۵۶
												۷۳	-/۵۸
												۷۴	-/۴۹

			-/۵۹	۷۵
	-/۵۴			۷۶
			-/۶۴	۷۸
		-/۵۴		۷۹
-/۴۶				۸۰
	-/۴۳			۸۱
		-/۳۸		۸۲
			-/۶۱	۸۳
		-/۴۱		۸۴
-/۴۷				۸۵
	-/۵			۸۶
		-/۳۶		۸۷
		-/۴۶		۸۹
-/۶۱				۹۰
		-/۶		۹۱
	-/۵۴			۹۲
		-/۴۹		۹۳
		-/۴۶		۹۴
	-/۵۴			۹۵
			-/۵۷	۹۶
	-/۴۹			۹۷
-/۵۱				۹۸
-/۵۶				۹۹
			-/۴۴	۱۰۰
-/۴۱				۱۰۱
			-/۴۵	۱۰۲
	-/۴۹			۱۰۳
-/۵۳				۱۰۴
		-/۴۷		۱۰۵
		-/۵۹		۱۰۶
	-/۴۹			۱۰۷
			-/۵	۱۰۸
	-/۳۹			۱۰۹
		-/۳۸		۱۱۰
			-/۴۹	۱۱۱
	-/۴۲			۱۱۲
-/۴۶				۱۱۳
	-/۵۶			۱۱۴
		-/۵۴		۱۱۵
		-/۴۶		۱۱۶

۱۱۷	۰/۵۴
۱۱۸	۰/۴۶
۱۱۹	۰/۶۳
۱۲۰	۰/۵۲
۱۲۱	۰/۴۸
۱۲۲	۰/۴۵
۱۲۳	۰/۴۹
۱۲۴	۰/۵۶
۱۲۵	۰/۵۳
۱۲۶	۰/۵۶

ضرایب آلفای کرانباخ که برای بررسی پایایی نمرات آزمون‌های فرعی به کار رفته، ارائه شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مقادیر تمام عامل‌ها در سطح بالایی است. لازم به ذکر است که برای کل پرسشنامه نیز مقدار ضریب آلفا محاسبه شد.

بعد از تعیین عامل‌های استخراج شده با توجه به تأیید عوامل به دست آمده نام‌گذاری هر کدام از عوامل با استفاده از این پژوهش صورت گرفت. نتایج این مرحله منجر به تأیید نه عامل طراحی شده توسط مؤلفین شد که در جدول شماره ۴ عناوین این عامل‌ها به همراه تعداد و شماره سؤال‌های مرتبط ارائه شده است. همچنین در این جدول

جدول ۴- سؤالات مرتبط با نه مؤلفه مقیاس کارکرد شخصیت و ضرایب آلفای کرانباخ عامل‌ها

مؤلفه	ویژگی مورد سنجش	تعداد سوال	ضریب آلفای کرانباخ
اول	هویت	۱۶	۰/۷۱
دوم	خودراهبری	۸	۰/۶۳
سوم	صمیمیت	۱۶	۰/۶۵
چهارم	همدلی	۱۴	۰/۷۹
پنجم	سایکوزگرایی	۹	۰/۶۲
ششم	دل زدگی	۱۷	۰/۷۴
هفتم	مهارت‌سیختگی	۱۱	۰/۶۹
هشتم	عاطفه‌پذیری منفی	۱۷	۰/۶۵
نهم	تضادورزی	۱۵	۰/۶۶

نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی به حجم نمونه‌ی بسیار وابسته است و نمونه‌ی بزرگ کمیت‌خیز دو را پیش از آن چه بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد. ایده‌آل آن است که مقدار χ^2 دو دارای سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ باشد یا مقدار χ^2 دو تقسیم بر درجه‌ی آزادی بین ۲ و ۳ باشد (هومن، ۱۳۸۷). با توجه به مقدار گزارش شده برای این مقدار در جدول ۶، مقدار χ^2 دو معنادار است و سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ گزارش شده است. اما با توجه به این که حجم نمونه‌ی این تحقیق بیش از ۲۰۰ نفر است، از شاخص‌های دیگر برای مناسب بودن برازش مدل بهره گرفته

تحلیل عاملی تأییدی مقیاس کارکرد شخصیت

برازش مدل به طور کلی، برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی چندین مشخصه برازندگی وجود دارد. در این پژوهش برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی از شاخص‌های χ^2 ، میانگین مجذور پسماندها RMR شاخص برازندگی GFI، شاخص تعدیل برازندگی AGFI شاخص نرم شده برازندگی NFI، شاخص برازندگی تطبیقی CFI و شاخص بسیار مهم ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA استفاده شده است.

اعتقاد گفن (۲۰۰۱) مقادیر بالای ۰/۸ و شاخص اول و بالای ۰/۰۹ دو شاخص دوم حاکی از برازش بسیار مناسب مدل طراحی شده در مقایسه با سایر مدل‌های موجود است. در نهایت، برای بررسی اینکه مدل مورد نظر چگونه برازندگی و صرفه جویی را با هم ترکیب می‌کند، از شاخص بسیار توانمند ریشه‌ی دوم برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA استفاده شده است. شاخص RMSEA ریشه‌ی میانگین مجذورات تقریب است، این شاخص برای مدل‌های خوب ۰/۰۵ و کمتر است. مدلی که در آن این شاخص ۰/۱ یا بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. مقدار بسیار ناچیز این شاخص ۰/۰۴۷ برای مدل تحلیل عاملی تأییدی مدل مؤلفه‌های لازم برای کارکرد شخصیت مورد استفاده در این پژوهش نشان‌دهنده‌ی برازش نسبتاً مناسب و طراحی مناسب طرح تحقیق است، از این رو، در این قسمت می‌توان پارامترهای برآورد شده در مدل به دست آمده را قابل اتکا دانست و از آن‌ها برای آزمون فرضیات تحقیق استفاده کرد. شاخص‌های مورد نظر با مقدار t بالاتر از ۱/۹۶ بودند و لذا، در سطح یک درصد معنادار هستند. همان طور که بیان شد، تمام نشانگرها دارای بارهای عاملی معناداری بر روی سازه‌های مربوط به خود هستند، به طور کلی، نتیجه آن که در سطح عاملی نخست نشانگرها دارای تعامل معنادار با سازه‌های خود هستند و تمام شاخص‌ها را می‌توان برای سنجش این دوازده سازه معتبر دانست.

شده است. مقدار شاخص GFI که به میزان ۰/۶۳ گزارش شده است و با توجه به این که این شاخص در قیاس با شاخص‌های دو از اعتبار بالاتری برخوردار است، لذا، محقق به این شاخص تکیه و برازش مدل را مناسب ارزیابی کرده است. معیارهای GFI و AGFI نشان‌دهنده‌ی اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس‌ها و کوواریانس‌هاست که توسط مدل تبیین می‌شود، هر دو این معیارها بین صفر تا یک متغیرند که هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشند نیکویی برازش مدل با داده‌های مشاهده شده بیشتر است. مقادیر GFI و AGFI گزارش شده برای این مدل هر دو بالاتر از ۰/۷ هستند که تأییدکننده‌ی نتایج آزمون‌های دو هستند. ریشه‌ی دوم میانگین مجذور پسماندها؛ یعنی تفاوت بین عناصر ماتریس مشاهده شده در گروه نمونه و عناصر ماتریس‌های برآورد پاپیش‌بینی شده با فرض درست بودن مدل مورد نظر است. هرچه RMR برای مدل مورد آزمون به صفر نزدیک‌تر باشد، مدل مذکور برازش بهتری دارد. مقدار ناچیز RMR در این پژوهش ۰/۵۹ نشان‌دهنده‌ی تبیین مناسب و واریانس‌ها است، برای بررسی این که یک مدل به خصوص در مقایسه با سایر مدل‌های ممکن از نظر تبیین مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده شده تا چه حد خوب عمل می‌کند، از مقادیر شاخص نرم‌شده برازندگی NFI، شاخص برازندگی فزاینده IFI و شاخص برازندگی تطبیقی CFI استفاده شده است. به

جدول ۶- شاخص‌های برازندگی مدل تحلیل عاملی تأییدی در مدل پژوهش

شاخص‌های برازش	مقادیر مشاهده شده در مدل ۴ عاملی
مجذور خی دو	۳۸۸۷/۴
سطح معناداری	۰/۰۰۱
میانگین مجذور RMR	۰/۵۴
نسبت مجذور خی به درجه آزادی	۱/۳
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۷۳
شاخص AGFI	۰/۷۲
شاخص برازش هنجار شده بنتلر و بونت (NFI)	۰/۷۴
شاخص نرم شده برازندگی (IFI)	۰/۸۱
شاخص تاکر لویس (TLI)	۰/۷۵
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۷۰
ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۴۷

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی شاخص‌های پایایی و روایی و همچنین هنجاریابی مقیاس کارکرد شخصیت بود. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که از بین ۱۲۶ سؤال پرسشنامه، ۱۲۶ سؤال دارای بارهای عاملی بالای ۰/۳۵، با نه مؤلفه در دوبخش تشخیص داده شده هستند. تعداد مؤلفه‌های کشف شده مؤید تعداد عوامل تأثیرگذار بر کارکرد شخصیت از نظر جان‌بزرگی (۱۳۹۹) است.

همچنین یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه‌های پرسشنامه، نشان داد که بارعاملی تمامی گویه‌ها بالا است (از ۰/۴۶ تا ۰/۸۶). با پذیرش مرز ۰/۴ برای بارهای عاملی مشخص می‌شود که گویه‌های پرسشنامه دارای بار عاملی قابل قبول (بالای ۰/۴) هستند. این یافته‌های گویای آن است که بر پایه‌ی تحلیل عاملی، وجود این گویه‌ها برای پرسشنامه مهم بوده و دارای اعتبار مناسب هستند؛ بنابراین پرسشنامه مورد بررسی از اعتبار سازه‌ی مناسب برخوردار است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل نه عاملی به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی در جمعیت ایرانی برازش نسبتاً خوبی دارد. با توجه به مقدار شاخص‌های برازندگی (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص اطلاعات آکایی (AIC) مدل نه عاملی برازش خوبی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از ضرایب آلفای کرونباخ نمایانگر آن بود که مقیاس کارکرد شخصیت، همسانی درونی بسیار بالایی دارد. بدین مفهوم که گویه‌های این مقیاس از تجانس و همخوانی لازم برخوردار هستند. علاوه بر این ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های هویت، خودراهبری، صمیمیت و همدلی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۹، ۰/۶۱ و ۰/۶۵ به دست آمد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های سایکوزگرای، سایکوزگرایی، دل‌زدگی، مهارگسیختگی، عاطفه‌پذیری منفی و تضادورزی به ترتیب ۰/۶۲، ۰/۷۴، ۰/۶۹، ۰/۶۵ و ۰/۶۶ به دست آمد. در این صورت می‌توان گفت هریک از گویه‌ها در حال سنجش ساختار مشابهی هستند و پراکندگی مفهومی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

نتایج مطالعه‌ی حاضر در خصوص همبستگی گویه- خرده مقیاس نشانگر آن بود که تمام گویه‌های پرسشنامه کارکرد شخصیت دارای همبستگی نیرومند و مثبتی در دامنه ۰/۳۱ تا ۰/۶۹ با خرده مقیاس مربوط به خود بوده که این مقدار بالاتر از حداقل سطح مطلوب یعنی بزرگ‌تر از ۰/۳ قرار دارد. بدین ترتیب، پرسشنامه کارکرد شخصیت از اعتبار سازه مناسبی برخوردار است.

بررسی همبستگی بین خرده مقیاس‌های کارکرد شخصیت نشان می‌دهد همه این همبستگی‌ها معنی دارند و این موضوع حکایت از آن دارد که این پرسشنامه به طور کلی سازه‌هایی مرتبط باهم را می‌سنجد و چون نه عامل پرسشنامه یک سازه را ارزیابی می‌کند، دور از انتظار نیست که این عوامل همبستگی نیز داشته باشند.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی جامعه‌ی ایران با جوامع غربی، لازم است در زمینه‌ی انطباق گویه‌ها با فرهنگ و اجرای پرسشنامه‌ها دقت بیشتری صورت گیرد و باید عوامل فرهنگی مؤثر بر آن را در نظر داشت. باید دقت نمود که تعمیم‌پذیری مطالعه حاضر عمدتاً به دلیل ویژگی‌های نمونه، کاهش می‌یابد. بنابراین یافته‌های این پژوهش تنها به دانشجویان قابل تعمیم است. در مطالعه‌ی حاضر دو گروه دانشجویان مرد و زن تحت عنوان یک گروه مورد بررسی قرار گرفتند، در صورتی که ممکن است دانشجویان زن و مرد هریک تفاوت‌هایی در عوامل مرتبط با خود دوسونگری، داشته باشند. همچنین دانشجویان نیز ممکن است متأثر از جنسیت خود دریافت‌های متفاوتی از عوامل زیر مجموعه کارکرد شخصیت داشته باشند. از این رو برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود اثر تفاوت‌های جنسیتی هم در دانشجویان مورد توجه قرار گیرد. تکرار روش این پژوهش در سایر جوامع ایرانی می‌تواند به رد یا تأیید قابلیت پایایی و اعتبار نسخه فارسی مقیاس کارکرد شخصیت کمک کند.

قدردانی: بر خود لازم می‌دانیم از تمام دانشجویان عزیز و مسئولین محترم دانشگاه‌های تهران که در انجام این پژوهش مشارکت کردند صمیمانه قدردانی می‌کنیم.

تعارض منافع: بر حسب مدارک، در این مقاله هیچ گونه تعارض منافع از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

حامی مالی: این مقاله هیچ حامی مالی نداشته است.

Reference

- Amini, M, Lotfi, M, Azad E; Karami A. (2018/1397). Assessment of personality function in the third part of the Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5): Design, compilation and evaluation of psychometric properties of short semi-structured interviews to assess DSM-5 personality functions (BSSIDPF). *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 28 (167): 121-132.
- Bender DS, Morey LC, Skodol AE. (2011). Toward a model for assessing level of personality functioning in DSM-5, part I: A review of theory and methods. *J Pers Assess* 93(4): 332-346
- Christopher Fowler J, Sharp C, Kalpakci A, Madan A, Clapp J, Allen JG, et al. (2015). A dimensional approach to assessing personality functioning: examining personality trait domains utilizing DSM-IV personality disorder criteria. *Compr Psychiatry* 56: 75-84
- Few LR, Miller JD, Rothbaum AO, Meller S, Maples J, Terry DP, et al. (2013). Examination of the Section III DSM-5 diagnostic system for personality disorders in an outpatient clinical sample. *J Abnorm Psychol*, 122(4): 1057-1069
- Halgin R.. (2014). *Psychopathology translated by Yahya Seyed Mohammadi*. (2018/1397). Tehran: Ravan Publishing
- Hapwood CJ, Kotov R, Krueger RB. (2018). The time has come for dimensional personality disorder diagnosis. *Personal Ment Health*, 12(1): 82-86.
- Hopwood CJ. Personality traits in the DSM5. *J Pers Assess* 2011; 93(4): 398-405
- Skodol AE, Morey LC, Bender DS, Oldham JM. (2015). The alternative DSM-5 model for personality disorders: A clinical application. *Am J Psychiatry* 172(7): 606-613.
- Zavala S, Bentley K, Julianne G. (2017). Transdiagnostic treatment of borderline personality disorder and comorbid disorders: A clinical replication series. *Journal of Personality Disorder*, 29(179): 1-17.